

بیت‌الله عباسپور در گذشت

قهرمان جهان در رشته پرورش‌اندام بعد از تحمل یک دوره بیماری سه‌شنبه‌شب در بیمارستان آتیه تهران درگذشت.بیت‌الله عباسپور، قهرمان پرورش‌اندام جهان که از یک بیماری نادر (واسکولیت) رنج می‌برد و مدت‌ها با این بیماری دست و پنجه نرم می‌کرد، شامگاه سه‌شنبه در بیمارستان آتیه تهران درگذشت. واسکولیت به معنی التهاب و ورم رگ‌های خونی است. التهاب رگ‌ها می‌تواند موجب ورم دیواره رگ‌ها و در نتیجه کاهش جریان گردش خون و حتی انسداد رگ‌ها و عدم خون‌رسانی به بافت‌ها و اندام‌های مختلف بدن شود. مرحوم عباسپور تنها ایرانی بود که به مسابقات فینال مسترالمپیا، معتبرترین جدای از آن نیز بارها در سطوح ملی و بین‌المللی افتخار کسب کرده بود. وی از سال ۲۰۱۲ وارد دنیای حرفه‌ای شد و در همان سال در مسابقات «فیبسو پاور آلمان» مقام چهارم، در همان سال در مسابقات مستر اروپا (اسپانیا) مقام سوم، در سال ۲۰۱۳ و مسابقات نوردیک پرو (فنلاند) مقام اول، بارهم عنوان مسال در مسابقات مستر المپیا (لاس‌وگاس) عنوان هفدهم مشترک را کسب کرد. آن مرحوم در سال ۲۰۱۴ بسیار پرکار بود و در ۷ مسابقه مهم شرکت کرد. در مسابقات آرنولد کلاسیک (برزیل) مقام نهم، در مسابقات حرفه‌ای سوپر نمایش اروپا (دالاس) عنوان چهارم، در مسابقات حرفه‌ای نیویورک مقام سوم، در مسابقات حرفه‌ای تامپا‌عنوان پنجم، در مسابقات مسترالمپیا رده بدنسازان ۲۱۲ پوندی رتبه پنجم و مسابقات حرفه‌ای گرند پرکس (ستول) مدال برنز را کسب کرد تا لقب دومین بدنساز قرن ایران بعد از علی تبریزی را از آن خود کند.

■ ■ ■

اتفاق عجیب در مسابقات جهانی

دوئده آمریکایی به علت خوشحالی زودهنگام مدال نقره مسابقه‌های جهانی دوومیدانی را از دست داد. در جریان مسابقه‌های دوومیدانی قهرمانی جهان و در فینال دوی ۱۰ هزار متر زنان که با قهرمانی ویویان چریوت از کنیا به پایان رسید، خوشحالی زودهنگام دوئده آمریکایی باعث شد او مدال این مسابقه را از دست بدهد. مولی هادل، دوئده ۱۰ هزار متر تیم ملی آمریکا در رقابت نهایی این ماده در حالی که تا نزدیکی خط پایان نفر سوم بود و مدال برنز خود را احتمی می‌دید خیلی زود شروع به خوشحالی کرد اما همین حرکت باعث شد هموطنش امیلی اینفلد از او سبقت بگیرد. هادل قبل از رسیدن به خط پایان دستانت را به نشانه پیروزی بالا برد و از سرعشت کم کرد که همین حرکت باعث شد در نهایت دیگر دوئده آمریکایی به علت جلو بودن سرش به مقام سوم برسد و مدال برنز را از هموطنش بگیرد. این در حالی است که در پایان رقابت نیز مولی هادل به شادی پرداخت و بعد از دقایقی متوجه این اشتباه شد.

■ ■ ■

دستگیری بازیکن وستهام

به اتهام تهدید به قتل

مهاجم وستهام به اتهام تهدید به قتل دستگیر شد. به نقل از گاردین، دیافرا ساخو ۲۵ ساله که در باشگاه وستهام توپ می‌زند، شخصی را تهدید به قتل کرده بود. پس از گزارش آن شخص به پلیس، ساخو به اتهام تهدید به قتل توسط پلیس محلی دستگیر شد. پلیس محلی در این زمینه گفت: روز یکشنبه ۲۳ آگوست، پلیس محلی شخصی را که تهدید به قتل کرده بود، دستگیر کرد. این فرد ۲۵ ساله که در امرسون پارک هورنچرچ سکونت دارد، به پایگاه پلیس منتقل شد و قرار است در اوایل اکتبر به اتهامش رسیدگی شود. سخنگوی پلیس در ادامه گفت: دیافرا ساخو، اعلام کرده هیچ کسی را تهدید به قتل نکرده است ولی پلیس در این زمینه تحقیقاتش را ادامه می‌دهد. پلیس هم رفتار خوبی با او داشته است. ساخو اتفاقی که افتاده بود را به شکل کامل شرح داد اما هیچ اظهارنظر دیگری نکرد. ساخو سال گذشته از باشگاه متز فرانسه به وستهام پیوست و در فصل گذشته ۲۶ دیداری که برای «چکش‌ها» انجام داد ۱۰ گل به ثمر رساند.

■ ■ ■

پاسخ بارسا به انتقال ۳۰۰ میلیون

یورویی نیمار

بارسلونا این روزها با شایعه پررقوی روبه‌رواست که ادعا دارد منچستر یونایتد قصد دارد نیمار را به مبلغ ۳۰۰ میلیون یورو خریداری کند. حال رئیس باشگاه بارسلونا این شایعات را رد کرده است. گفته شده شایطین سرخ قصد دارند با خرید این بازیکن ۲۳ ساله برزیلی و با حضور او در لیگ برتر، در بالاترین سطح قرار بگیرند اما جوزپ ماریا بارتومتو، رئیس باشگاه بارسلونا بار د همه شایعه‌ها گفت این باشگاه با این بازیکن برزیلی برای ۱۵ سال دیگر قرارداد دارد و امیدوار است نیمار در همین باشگاه بازیکنشته شود.
بارتومتو با حضور در ایستگاه رادیویی کاتالونیا گفت: اینها همه شایعه است و آنچه دیگران می‌نویسند را نباید حتما باور کرد چون حقیقت ندارد. نیمار از بودن در بارسا خوشحال است و ما اصلا نمی‌خواهیم او برود.

باربد به‌راد: وقتی مجلس قانون واگذاری را تصویب کرد کمتر کسی تصور می‌کرد کار به سازمان خصوصی‌سازی برسد اما ۲ تیم سرخابی فروش نروند. استقلال و پرسپولیس همان‌طور که تیم‌های صنعتی حمایت می‌شوند محتاج پشتیبانی هستند اما حالا که بحث واگذاری ملغی شده کدام نهاد توان جمع کردن مشکلات بی‌پایان این ۲ تیم را دارد؟ از آنجایی که چرخ فوتبال همیشه در ایران با اتکا به نیروی دولت چرخیده است همیشه این سوال وجود داشته که در صورت اهدای سرخابی‌ها به‌بخش خصوصی چه آینده‌ای پیش‌روی آنهاست. تا چند دهه این بحث واگذاری فقط در قالب یک گمانه‌زنی مطرح می‌شد اما سرانجام مردان بهارستان آن را قانون کردند و دولت یازدهم پس از روی کار آمدن نخستین قدم خود را در جهت اهدای این ۲ تیم به بخش خصوصی برداشت. حتی کار به سازمان خصوصی‌سازی هم رسید. ۴ بار هم سرخابی‌ها تا آستانه واگذاری پیش رفتند که هر بار یک مشکل مانع از انجام کار شد. بار نخست مشکل از ودیعه‌گذاری خریداران بود. سپس ودیعه که درست گذاشته شد بحث اهلیت پیش آمد و در بخش نهایی که ۲ شرکت زیرمجموعه خودروسازان پا پیش گذاشتند این نمایندگان مجلس بودند که طرح خود را وتو کردند و با یک اعتراض ۱۲۵ امضایی نشان دادند تمایلی به واگذاری ندارند. محمد دادگان درست در همان برهه بود که در سهامی ملی حاضر شد و قسم جلاله‌خورد سرخابی‌ها واگذار نمی‌شوند و همه این کارها یک «نمایش» است.

حالا حرف دادگان ولو به ولو درست از آب درآمده است. برای اینکه بنادید دولت از اول هم می‌دانست بحث واگذاری شدنی نیست تنها لازم است به قرارداد اسپانسر استقلال توجه کنید. در حالی که طبق قانون می‌بایست واسط و اواخر بهار ۹۴ از این تیم به بخش خصوصی واگذار می‌شدند استقلال در استفاده سال ۹۳ یک قرارداد ۳ ساله با یک اسپانسر خاص بست به شرط دریافت ۹۰ میلیارد تومان کمک! امضای این قرارداد نشان می‌داد که محمد دادگان بی‌جهت در تلویزیون این پیش‌بینی را انجام نداده است. نه مجلس و نه دولت حاضر به واگذاری صد درصدی نبودند و تنها خواستار واگذاری به شکل «خصوصی» بودند. چیزی شبیه به واگذاری مخبرات و دیگر نهادهای استراتژیک و تقریبا امنیتی. اما منگر سرخابی‌ها امنیتی‌اند؟ شاید گره مشکل همین طرز فکر باشد. در این بین افرادی مثل حسین هدایتی و عابدینی بیشترین تلاش را کردند تا سرانجام مالک پرسپولیس شوند که این خواسته آنها دقیقا به مثابه پارو زدن هوا بوده، بی‌حاصل، بی‌معنا و دور مضحک و خنده‌دار! اینک هیأت‌وزیران آب پاکی را روی دست هواداران ۲ تیم می‌ریزد؛ استقلال و

حالا که دولت نمی‌خواهد سرخابی‌ها را به بخش خصوصی بدهد

لزوم تغییر رویه تیم‌داری



پرسپولیس از بنگاه اقتصادی به بنگاه فرهنگی تغییر رویه می‌دهند و از این‌رو دیگر بحث واگذاری دنبال نمی‌شود. شاید همین پایان یک آغاز دیگر باشد. حالا که دولت یازدهم تصمیم گرفته این ۲ تیم را حفظ کند باید روش دیگری را برای مدیریت آنها پیش بگیرد. اجاره دادن به این روش که مشخص نیست چه شرکت‌هایی به چه ضمانت‌هایی و نظارت بر نحوه با چه اهلیتی به سراغ آنها می‌آیند، درست نیست. اگر درست بود وضعیت امروز استقلال این نبود. به‌عنوان مثال؛ آقای شاهرخ سبک‌دست اسپانسر استقلال می‌گوید: گفتم ۹۰ میلیارد در ۳ سال می‌دهم اما نگفتم این پول را در چه زمانی می‌دهم! این یعنی یک گاف بزرگ مدیریتی برای مردان وزارت ورزش و جوانان که به عقیده‌شان اگر این بلا سر فوتبال آمده به خاطر سوءمدیریت فدراسیون فوتبال است. نه اینکه مدیریت کفاشیان آش دهان‌سوزی باشد اما مردان وزارت ورزش در شمال خیابان سنول،در عمل نشان دادند که دست‌کمی از مردان این سوی خیابان ندارند. اینک که قرار شده دولت خرج دو تیم را بدهد بهتر است یک راهکار جدید و بکر دیگر پیدا کند اگر نه روش فعلی، چیزی نیست که آینده این ۲ تیم را تضمین کند؛ صندلی فروشی، اجاره دادن به شرط حضور فلان مدیر و این دست از روش‌ها همه امتحان شده و پاسخش منفی بوده است.

■ پاسخ به اتفاقات جلسه مجلس

مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت ورزش و جوانان در واکنش به برخی خبرهای ضد و نقیض از محتوای جلسه دست‌اندرکاران فوتبال با نمایندگان

مجلس، بیانیه‌ای صادر کرد. در بیانیه مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت ورزش و جوانان آمده است: ۱- نشست وزیر و مدیران ورزش کشور به‌دنبال دعوت نمایندگان مردم تبریز برای پاسخ نهایی به مسائل بازی نفت تهران و تراکتورسازی تبریز صورت گرفت و آقایان کفاشیان و تاج بنا بر مسؤولیت مستقیم درباره بازی‌های لیگ، تعیین تیم داوری، نظارت بر نحوه مسابقه و برگزاری لیگ و تشکیل کمیته حقیقت‌یاب در جلسه مذکور حضور یافتند.

۲- با توجه به شکل اساسنامه فدراسیون فوتبال و استقلال مدیران فوتبالی در تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌های خود، دکتر گوردزی به توضیح این موضوع برای نمایندگان پرداخت و توجه‌اندان نمایندگان مردم به حساسیت نهادهای بین‌المللی بر دخالت دولت در امور فوتبال و به همین سبب باید آقای کفاشیان و

مسئولان سازمان لیگ پاسخگوی سوالات و ابهامات نمایندگان باشند.

۳- وزیر ورزش و جوانان در این جلسه با طرح موضوع اختیار و تسلط وزارت ورزش به عنوان نهاد

عالی دولت در موضوع ورزش، رویه موجود را به عنوان یک پارادوکس در موضوع اختیار و قدرت وزارتخانه در موضوعات فوتبال مطرح کرد و گفت:از آنجایی که در تمام مسائل در نهایت وزیر و معاونان این فدراسیون می‌دانند ولی قاعدتا باید پاسخگوی تصمیمات و نحوه مدیریت خود بر فوتبال کشور در مقابل افکار عمومی، نمایندگان مردم و البته وزارت ورزش و جوانان به عنوان نماینده دولت برآمده از آرای مردم باشند.

تاکتیک‌های نادرست و پیچیده‌بنیتس

فصل دشوار رئال مادرید

عصر یکشنبه رئال مادرید لالیگا را با یک تسلاوی ناامیدکننده در برابر جوان‌ترین و ارزان‌ترین تیم لالیگا یعنی اسپورتینگ گیخون آغاز کرد.بعضی از مادریدی‌ها اینگونه خود را تسلی می‌دهند که تیمشان ۲۵ شوت داشت و بویژه در نیمه دوم سسوار بر بازی بود. اگر بخواییم مصفانه قضاوت کنیم باید بگوییم آنها مستحق پیروزی در آن بازی بودند. با این حال به نظر می‌رسید پیش فصل فشرده و گیج‌کننده مادریدی‌ها برای رسیدن به شرایط فیزیکی مطلوب و از آن مهم‌تر برای هماهنگ شدن بازیکنان با روش‌های مربی جدید کافی نبوده است به طوری که در بازی روز یکشنبه آنها قادر نبودند با سیستم‌های مختلف و بعضی از تصمیم‌های تاکتیکی عجیب مربی کنار بیایند. در طول بازی، دقایق بسیار کمی وجود داشت که در آنها بنیتس سعی می‌کرد هوشمندانه عمل کند. او به جای اینکه به‌سادگی از استعداد بازیکنان خود استفاده کند، با پیچیده کردن شرایط بازی، بازیکنان خود را سرگردان کرده بود. به‌عنوان مثال، تعویض پست‌های مکرر مهاجمان را به یاد آورد. رونالدو، بیل، ایسکو و خسه اجازه داشتند تا بسته به جریان بازی نقش‌های خود را عوض کنند. اگر تعویض پست‌ها باعث می‌شد در دفاع گیخون بی‌نظمی ایجاد شود این کار منطقی به نظر می‌رسید اما به ندرت این‌این اتفاق می‌افتاد، زیرا تقریبا فقط رونالدو بود که بازی را از بستتی مشابه با پست مورد علاقه‌اش آغاز کرد. بیل برای استفاده از سرعت خود به فضا نیاز دارد، اما در پشت مهاجم بازی متوسطی را ارائه می‌دهد. خسه یک مهاجم نوک محض نیست. ایسکو راحت‌تر است که در وسط بازی کند و فیزیک و او برای بازی در جناحین مناسب نیست. وقتی ۳ عضو از ترکیب تیم خارج از جایگاه طبیعی خود قرار می‌گیرند و با آنها این اجازه داده می‌شود که پست خود را عوض کنند، طبیعی است که سعی می‌کنند تا جایی که امکان دارد این کار را انجام دهند تا بتوانند به پست مورد علاقه خود نزدیک شوند و این موضوع باعث بی‌نظمی در خط حمله تیم خواهد شد. در بازی روز یکشنبه، تعویض جایگاه بازیکنان بسیار ناآرام‌آباد بود زیرا رئال مادرید به ندرت فرصت پیدا می‌کرد کارهایی که به طور عادی برای به هم ریختن دفاع حریف انجام می‌شود را انجام دهد. در بسیاری از دقایق بازی شاهد برخورد بیل و ایسکو با یکدیگر بودیم. در بسیاری از اوقات، خسه و رونالدو هر دو در یک منطقه حضور داشتند. گاهی نیز بیل و رونالدو در تلاش بودند تا بفهمند چه کسی به سمت چپ و چه کسی به سمت راست منتقل شده است. از این دست اشتفگی‌ها در بازی یکشنبه زیاد بود. تعویض پست‌ها می‌تواند یک سلاح قدرتمند برای یک تیم باشد بویژه وقتی در دفعات معدودی برای غافلگیر کردن دفاع حریف از آن استفاده می‌شود، اما زمانی که بیش از حد از این سلاح استفاده شود اصل غافلگیری از بین می‌رود. اینجاست که بنیتس باید در هنگام چیدن ترکیب در بازی‌های بعدی از عقل و ادراک خود استفاده کند.

می‌دانیم که بازی گرفتن از بازیکنان در خارج از پست ایده‌آل‌شان همواره یکی از ویژگی‌های بارز مربیگری رافا بوده است، اما توصیه می‌شود که او در این هفته‌های ابتدایی کمی محتاطانه‌تر عمل کند تا بتواند به درک بهتری از توانمندی‌های بازیکنانش برسد. بازی گرفتن از بیل در پست هافبک هجومی، به دلیل نقاط ضعف و قوتی که او دارد تنها در شرایط خاص جواب می‌دهد. در بازی‌هایی که رئال بخش قابل‌توجهی از زمان بازی را در نیمه خود می‌گذراند (برای مثال در بازی‌های خارج از خانه چمپیونزلیگ). در شرایط دیگر، بیل به دلیل کمبود فضا نمی‌تواند ویژگی‌هایی را که بازی در این پست طلب می‌کند برآورده سازد و در نتیجه قادر نخواهد بود همه مهارت‌های خود را در بازی پیاده کند. آیا نمی‌شود بنیتس از بیل در بال استفاده کند؟ علاوه بر بیل، نقشه‌ی که برای کواچیچ در اولین بازی‌اش در نظر گرفته شد نیز باعث شگفتی بازیکن کروات شد: حضوری ۲۰دقیقه‌ای در بال چپ. کواچیچ بازیکنی راست‌پاست که ترجیح می‌دهد به عنوان هافبک دفاعی بازی کند. تصمیم بنیتس درباره پست او گیج‌کننده بود زیرا ورود او به زمین باعث شد که خامس چپ پا که سمت راست گیخون را به هم ریخته بود، به جناح مخالف منتقل شود و نتواند تاثیر گذار ظاهر شود اما موضوع ایسکو که در جناح راست سیستم ۳-۲-۳-۱ ای که در ۳۰دقیقه آخر به ۴-۲-۳-۱ تبدیل شد قرار گرفته بود از همه اینها ناامیدکننده‌تر است. از آنجایی که کارلو آنچلوتی پس از پیوستن گرت بیل به رئال مادرید به ندرت از سیستم ۳-۲-۳-۱ استفاده می‌کرد، ایسکو تقریبا ۲ فصل کامل توانست در پست مطلوب خود قرار بگیرد.



اعلام کرد این بازیکن فوق بی‌جهت دو، سه هفته را با تمارض از دست داده و تنها معطل چکی است که باید تا به حال پاس می‌شده و نشده است!

هنوز مسؤلان باشگاه بودجه لازم را برای پاس کردن چک او به دست نیاورده‌اند و آقای ستاره بدون اینکه هیچ مصدومیتی در راه رفتنش مشخص باشد هر روز به باشگاه می‌رود و می‌گوید مصدوم و نمی‌توانم بازی کنم! مربی تیم هم از موضوع مطلع شده و از ترس اینکه رسانه‌ها از جریان آگاه شوند هیچ حرفی نمی‌زند و تنها به مدیرعامل باشگاه سربده از زیر سنگ هم شده پول این بازیکن تاثیرگذار را جور کند و بدهد. فعلا که بازی‌های لیگ برای تیم‌ملی چند هفته‌ای تعطیل است اما اگر خیری از پول نباشد آقای مثلا ستاره کماکان به مصدومیت دروغینش ادامه می‌دهد. اگرچه فوتبال ما حرفه‌ای نیست اما دست‌کم از این موارد فوتبالیست‌های ما فوق حرفه‌ای هستند مخصوصا آنهایی که چهره موجه‌تری پیش هواداران اهالی رسانه دارند! شاید شنیدن نام این بازیکن برق از سفاز خیلی‌ها بپراند اما آنهایی که باید او را بشناسند به خوبی نامش را می‌دانند. شاید هم مقصر باشگاه است که بدون داشتن بودجه کافی سراغ هر بازیکنی برای تمدید قرارداد می‌رود!

اتفاق عجیب اما کاملاً واقعی در فوتبال ایران

مصدومیت دروغین آقای ستاره!



بازیکن دوست نداشت بین هواداران تیمش به بازیکن بی‌غیرت و پولگی معروف شود، خیلی شیک و بدون آنکه کسی شک کند مصدومیت‌ساده‌اش را دستمایه یک بازی تازه قرار داد. او که در یکی از تمرینات تیمش مصدوم شده بود توسط باشگاه به کلینیک فرستاده شد اما نتایج آزمایش نشان می‌داد فقط یک کوفتگی جزئی است و با چند روز استراحت و آبدرمانی این بازیکن می‌تواند بدون هیچ مشکلی پا به توپ شود! اما این بازیکن از پزشک معتمد خود